

تطور مفهوم علم در ادبیات اسلامی - ایرانی

دکتر رسول جعفریان^۱

در ذیل خلاصه‌ای از تحقیق انجام شده ملاحظه می‌شود:

در کنار پژوهشهایی که سالیان دراز است غربی‌ها و مسلمانان درباره تاریخ علم در میان مسلمانان دارند، جای یک بحث تقریباً خالی بود و آن بحث از تاریخ مفهوم علم و تطورات مربوط به آن در میراث و ادبیات اسلامی بود.

قرار بود در این طرح، «مفهوم علم» از دید مولفان و متفکران اسلامی در ادوار مختلف تاریخ و طبعاً در رشته‌های مختلف علوم اسلامی مورد بحث قرار گرفته و نمونه‌هایی از آن متون نیز ارائه شود. در واقع، در هر بخش، هم یک گزارش از دیدگاه‌ها وجود دارد و هم متنی به عنوان نمونه انتخاب و ارائه می‌شود.

در فصل اول گزارش این طرح، مفهوم علم در میان «محدثان» که اولین طایفه از مولفان دوره اسلامی در قرون اولیه هستند مورد توجه قرار گرفت و این مفهوم در سایه کتابهای حدیثی مهمی چون بخاری و کافی و نیز چندین رساله ویژه درباره مفهوم علم، بررسی شد.

فصل دوم اختصاص به این رسائل و کتابهای مستقل درباره علم دارد.

چنان که می‌دانیم، مفهوم علم در آثار حدیثی متقدم، عمدتاً به علم حدیث گفته شده و وقتی از اهمیت علم و ادبیات آن صحبت می‌شود، تقریباً در غالب موارد، بحث از یادگیری حدیث، اتخاذ هر نوع دانشی از حدیث (در کنار قرآن) و اعتبارسنجی علم به ارتباط آن با حدیث است. در تمام کتابهای حدیثی متقدم، بابت به عنوان کتاب العلم وجود دارد که در این بررسی، به بیشتر آنها اشاره شده است.

در فصل سوم، مفهوم علم در متون ادبی کهن مورد بررسی قرار گرفت. می‌دانیم که نخبگانی چون جاحظ، ابن‌قتیبه، و بسیاری از علما ادب قدیم، در آثارشان مانند البیان و التبیین، عیون الاخبار و آثار دیگر، کتاب العلم دارند و در آنجا درباره مفهوم علم، سابقه آن، ارزش و اعتبار آن، تفاوتش با عقل و مفاهیم دیگر و بسیاری از این مباحث بحث می‌کنند. در این فصل درباره زبده آثار جاحظ، ابن‌قتیبه، راغب اصفهانی و زمخشری بحث شده و نمونه‌هایی از متن‌های آنها نیز انتخاب شده است.

فصل چهارم با عنوان «تقسیمات علوم و مفهوم علم در ادبیات اسلامی» درباره رساله‌های مختلفی است که امثال فارابی و ابن‌سینا و دیگران درباره تقسیمات علوم نوشته‌اند. این رسائل، یکی از مهم‌ترین و کلیدی‌تری متن‌هایی است که درباره مفهوم علم می‌شود از آنها بهره برد. در اینجا نیز هم گزارش شماری از رسائل و هم متن برخی از آنها ارائه شده است. در این قسمت، از نظر زمانی تا قرن هفتم، بحث دنبال شده و حتی رسائلی از دوانی (قرن دهم) هم مورد بررسی قرار گرفته است.

فصل پنجم، درباره «مفهوم علم در متون کلامی» است. متکلمان هم به مناسبت بحث از علم الهی و هم درگیر شدن با بحث‌های عقلی، نیاز به تبیین مفهوم علم داشتند، به طوری که قاضی عبدالجبار یک مجلد کامل از کتاب خود «المغنی» را به شرح مفهوم علم اختصاص داده است. بسیاری از متکلمان دیگر، پیش و پس از وی، درباره مفهوم علم به ویژه از زاویه «جدل» اظهارنظر کرده‌اند. این قسمت اختصاص به گزارش آثار آنها از جمله قاضی عبدالجبار، فخر رازی، آمدی و برخی دیگر دارد.

^۱ عضو پیوسته گروه علوم اسلامی فرهنگستان علوم

فصل ششم اختصاص به آرای غزالی درباره مفهوم علم دارد.

فصل هفتم، ویژه بررسی مفهوم علم در آثار خواجه نصیرالدین اختصاص داده شده و روی برخی از رسائل و متون وی که در این باره است، مرور شده است.

فصل هشتم، اختصاص به مفهوم علم در فلسفه ملاصدرا دارد که هم از اسفار و هم متون دیگری مانند المبدأ و المعاد گزارش‌هایی تهیه و ارائه شده است. در انتهای این قسمت، گزارشی هم از یک رساله مستقل درباره علم، از علم الهدی فرزند فیض کاشانی که نواده ملاصدراست، ارائه شده است.

فصل نهم درباره «مفهوم خرد، عقل و دانش نزد شاعران بزرگ پارسیگوی» است. در اینجا، بر اساس اشعار چندین شاعر بزرگ: فردوسی، سنایی، ناصر خسرو و نظامی گنجوی، به تفصیل درباره مفهوم علم در شعر فارسی بحث شده است. انتخاب این شاعران، به دلیل توجه آنان به حکمت بوده و هر کدام، گاه تا صدها بیت درباره علم و مفهوم و عظمت آن شعر دارند. این بررسی عمدتاً بر این تمرکز دارد که آنان چه تصویری از مفهوم علم داشته‌اند. طبعاً نمونه‌هایی از اشعار آنان را ارائه شده است. گزارش دارای دو ضمیمه است: نخست گزارشی از کتاب دانش پیروزمند که از نظر موضوع بحث، به این پژوهش نزدیک است و دیگری رساله‌ای از ابن مسکویه با عنوان «رسالة فی ماهیة العلم از ابن مسکویه» که تصویر نسخه‌ای از آن در پایان گذاشته شده است.